

# چالش‌های مطالبات معلمان - 1

## سیدحسن الحسینی

ارزش‌های تا حدودی یگانه و همبسته معلمان در جهان، از مسوولیت مشترک آنان در تربیت نسل آینده؛ در زیست بوم دنیای بزرگ است. دنیایی که باید با همزیستی، دانایی، صلح و همکاری‌های متقابل و بدون محدودیت ساخته شود. به‌رغم وجود ارزش‌های مشترک اما، رقابتی سهمگین و نفسگیر در بین نظام‌های تعلیم و تربیت وجود دارد. هر یک از کشورها بنا به برنامه توسعه و فهم خود از آینده دنیا، دسته‌ای از نظریه‌های پداگوژی را انتخاب و با نوعی از پیوند دینامیک با خانواده‌ها در پیشبرد اهداف مدرسه می‌کوشند. مطالبه اندیشمندان و صاحب‌نظران در هر کشور می‌تواند «اثربخشی تعلیم و تربیت» و «کاربردی بودن آموزه‌ها در اطللس شغلی» هر یک از جوامع می‌باشد. ماموریت‌ها و راهبردهای فوق را تنها «آموزش و پرورش توسعه‌گرا» تامین می‌کند. برای تامین و تدارک مطالبه موردنظر اندیشمندان و صاحب‌نظران، درخصوص داشتن آموزش و پرورش معطوف به توسعه؛ فراهم آمدن عناصر و عوامل مداخله‌گر بسیاری ضرورت می‌یابد. سهم بایسته آموزش و پرورش از GDP، که معادل میانگین جهانی خواهد بود، در هر شرایطی از اولویت‌ها و وظایف حتمی جامعه‌ای است که می‌خواهد پویا و زنده بماند. برمبنای چنین پیش‌فرضی حتما، مطالبه معلمان در کنار مطالبه جامعه روشنفکری و فرهیختگان، باید نوسازی آموزش و پرورش برای تحقق اهداف بزرگ ملی باشد. برمبنای همین پیش‌فرض، حقوق حقه معلمان، وجود رتبه‌بندی واقعی، شاید از اولین الزامات اجرایی رویکرد فوق است. برای تحقق این منظور به نظر می‌رسد، حاکمیت و دولت باید برنامه داشته باشند و نقش پیشرانی را بپذیرند. در اوضاع و احوال نا به روال و البته غیرقابل دفاع کنونی اقتصاد کشور و آموزش و پرورش و نیز به سبب توسعه‌گرا نبودن برنامه‌ها و نظام آموزشی کشور؛ معلم را از عملکرد مطلوب باز می‌دارند و بعضا برای معلمی با این کارکرد! همین حقوق و مزایا را کافی می‌دانند!! به خاطر دارم با یکی از وزرای محترم همین بحث را داشتم، معلم را کلید طلایی تعلیم و تربیت و عنصر هوشمند آن در بین سایر عوامل معرفی کردم و از ضرورت توجه به او سخن گفتم! اما او خیلی راحت گفت، کدام معلم؟ کدام کارکرد؟ مگر ما خروجی این نظام آموزشی را قبول کردیم؟

